

الحمد لله





عنوان: خطبه فدکیه

به سفارش: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

ناشر: روزنه شرق

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۸۰۰۰

نوبت چاپ: نهم، ۱۳۹۷

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بین باب‌الهادی (ع) و

صحن غدیر، پلاک ۱۸۳، مدیریت فرهنگی، صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷



۳

FADAKIEH
SERMON

سرشناسه: حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۴۸، قبل از هجرت - ۱۱ ق

عنوان قرارداد: خطبه فدک، فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآورنده: خطبه فدکیه: خطبه حضرت زهرا (ع)

ترجمه: گروه ترجمه

مشخصات نشر: مشهد: روزنه شرق: ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص

شابک: 978-600-99694-1-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: چاپ هشتم

موضوع: حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۴۸، قبل از هجرت - ۱۱ ق. - خطبه‌ها

موضوع: فدک

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۴۶۶/۲۳/۲۷ BP

رده بندی دیوی: ۲۹۸/۹۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۷۷۲۴۳

پیش درآمد



خدا، فاطمه اش نامید، چرا که کسی را یارای شناسایی اش نبود. حقیقت لیل القدرش خواند، که سینه اش گنجینه ی اسرار بود.
مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ (ع) حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَذْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ
إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا^۱
هر که حقیقت حضرت فاطمه (ع) را بشناسد،



حقیقت شب قدر را درک کرده است.

او «فاطمه» نامیده شد، زیرا خلایق، راهی به معرفت او ندارند. پیامبر (ص) ، حوراء الانسیّه اش نام نهاد، که لطافتش به فرشتگان مانند بود و در کالبد دنیا انسان می نمود. دستش را بوسه می زد، که به دست او حیات، جاری بود. شمیم روح افزایش را می بویید که عطر او، لطافت بود.

هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي وَ هِيَ
رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ وَ هِيَ الْخُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ^۲

۲ - فرمایش پیامبر اکرم (ص) به نقل از آمالی صدوق، ص ۱۱۳

۱ - فرمایش امام صادق (ع) به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵

دخترم فاطمه، پاره‌ی تن من است. او روشنی چشم من؛ میوه‌ی قلب من؛ و روح میان دو پهلوی من است. او حوریه‌ای از جنس انسان است. امیرمؤمنان علیه السلام، تکیه‌گاهش نام گذارد، که پایه و رکن هستی بود. زهرایش می‌خواند که آفتاب وجودش هر روز برای امیرالمؤمنین علیه السلام، پرتو می‌افکند.

سُمِّيتِ الزَّهْرَاءُ عليها السلام زَهْرَاءَ ... لِأَنَّهَا زَهْرٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ^۲

حضرت زهرا علیها السلام، زهرا نامیده شد، زیرا چهره‌اش هر روز سه بار برای امیرالمؤمنین علیه السلام، نورافشانی می‌کرد.

آری، هم اوست که اُمّ ابیهاست؛ هم اوست که حجت خدا بر حجت‌های خداست؛ هم اوست که الگوی نیکوی امام عصر و زمان علیه السلام است. او همان کسی است که غضب او غضب خدا و خشنودیش خشنوی خداست. او همان کسی است که پاکی و عصمتش را «آیه‌ی تطهیر» شهادت می‌دهد و رفعت و برتری‌اش را «آیه‌ی مودت» گواه است. دنیا برای او خُرد و کوچک است، که نورش بر



مظلوم ترین

لیکن چه نیک حقّ او را ادا نمودند! با رحلت رسول خدا، کینه توزان، آتش خشم خود را آشکار کردند؛ و خفاش صفتان، پرتو نورش را برنرفتند. سفلگانی از عرب، دَد منشانه حقش را غصب نمودند؛ به خانه اش یورش بردند؛ بر در خانه اش شراره‌ی آتش ریختند؛ و پهلویش را شکستند؛ امام زمانش، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به بند ستم بستند؛ جامه‌ی امامت را غاصبانه ربودند؛ و بزرگ ترین مصیبتِ جاودانه‌ی تاریخ را رقم زدند.



تارک عرش می درخشد و کنیزکانش، فرشتگان آسمان اند. هدیه‌ی خدا به او از دنیای پست، باغ بزرگی است به نام فدک. «آیه‌ی ذی القربی» سند فدک؛ و رسول خدا کسی است که آن را به دست محبوبه‌ی خدا رسانده است. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و أم ایمن، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر آن شهادت دادند:

خدا بر پیامبر، این آیه را نازل نمود: (فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ). (به صاحب خویشاوندی، حقش را عطا کن). پس از آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه بخشید.^۴

۴ - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۵

او امّا، به دفاع از امام زمان خویش برخاست. به مسجد رفت و خطابه‌ای جاودانه ایراد کرد. بانگ آتشین او، در سراسر تاریخ طنین افکن شد.

کلام نافذ او، بر هر دلی نشست و هر خردمندی را به پرسش واداشت: «چرا حقّ زهرا علیها السلام را ظالمانه ربودند؟! چرا بر همسرش ستم کردند؟! مگر او از قُربى نبود؟! مگر آیه ی مودّت درباره ی او نازل نشده بود؟!»

هر که آن روز در مسجد، فریاد خشم او را بر غاصبان شنید، به این اندیشه رفت که: «مگر او همان کسی نیست که اگر بر کسی غضب

کند، خدا بر او غضب می کند؟! پس بدا بر حال غاصبان امامت! بدا بر حال غاصبان فدک!» هر که پیامبر صلی الله علیه و آله را می شناخت می دانست که فاطمه علیها السلام تنها یادگار اوست.

پس بی درنگ از خود می پرسید: «آیا با تنها یادگار رسول خدا، چنین بی رحمانه برخورد می کنند؟! آیا سینه اش را می شکنند؟! آیا محسنش را شهید می کنند؟! آری؛ این گونه است که فاطمه علیها السلام جداگر حق از باطل؛ خطابه اش رسواگر غاصبان ستم پیشه؛ و قبر مخفی اش سند همیشگی در اثبات مظلومیت اوست.



– مدارک اهل سنت برای روایت پیامبر اکرم ﷺ
«خداوند از غضب فاطمه (ع)، غضب می کند.»

المعجم الكبير طبرانی، ج ۱، ص ۸۹؛ المستدرک علی الصحیحین،
ج ۶، ص ۲۵؛ فضائل الخلفاء، ج ۱، ص ۲۵۱؛ تاریخ مدینه دمشق،
ج ۳، ص ۱۵۶؛ المعجم موصلی، ج ۱، ص ۲۳۳ و ...

– مدارک اهل سنت برای حمله و آتش زدن
خانه حضرت زهرا (ع) و شهادت حضرت
محسن (ع)

المصنف ابن أبي شيبة، ج ۸، ص ۵۷۲؛ الإستیعاب، ج ۳، ص ۹۷۵؛
الإمامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳؛
مروج الذهب، ج ۳، ص ۷۷؛ تاریخ ابی الفداء، ج ۱، ص ۱۵۶؛
العقد الفريد، ج ۳، ص ۶۴؛ أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۶۸؛ فضائل
الصحابه، ج ۱، ص ۳۶۴؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۷۶؛ الملل
و التحل، ج ۱، ص ۵۷؛ الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۵ و ...



– مدارک اهل سنت برای غضب حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر و عمر

صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۰؛ الطبقات
الکبری، ج ۲، ص ۳۱۵؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۲، پاورقی ص ۱۲۱؛
شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۴؛ الإمامه والسیاسة، ج ۱، ص ۲۰
و ...

مقدمه

عناوین خطبه حضرت زهرا (علیها السلام)

حضرت زهرا (علیها السلام) در خطابه‌ی خویش،
به موضوعات گوناگونی اشاره می‌فرمایند. این
خطابه که آموزه‌هایی بلند در ساحت عقیده و
عمل را در برگرفته است؛ چشمه‌ساری است که
تشنه‌گان معرفت و ره‌پویان حقیقت را در ابعاد
معارف و احکام، سیراب می‌سازد. حضرت زهرا
(علیها السلام) در ابتدا، به بیان نکاتی درباره‌ی «خداشناسی»



پرداختند؛ به نعمت های الهی اشاره نمودند؛ و صفات خداوند را برشمردند. سپس ویژگی های بی نظیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان کردند و با یادآوری عظمت مقام ایشان، درس هایی از «پیامبرشناسی» مطرح نمودند.

پس از این آموزه های «قرآن شناسی» را مطرح کرده و پیرامون بزرگی و عظمت قرآن سخن گفتند و جایگاه مهم آن را در باورداشت اسلامی، یادآور شدند. در ادامه سخنان خود، به دسته ای از «احکام» اشاره نمودند و آثار و نتایج هریک را بیان کردند.

آن حضرت در بخش بعد، به «معرفی خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» پرداختند و رابطه ی خویش را با ایشان یادآور شدند. پس از آن به «توصیف دوران جاهلیت» پرداخته و تاریکی های آن دوران پست را به مسلمانان گوش زد و نعمت اسلام را به آنان یادآوری نمودند.

در ادامه، سخن را به «معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام» رسانده و فداکاری های ایشان را در راه گسترش اسلام، خاطر نشان شدند.

آن بانوی یگانه در این بخش، پیرامون موضوع اصلی سخن گفته و از ظلم و



ستمی که غاصبان بی داد پیشه در «غصب امامت» روا داشته‌اند، شکوه نمودند. امامت و خلافت را حقّ امیرالمؤمنین علیه السلام خواندند و اقدام غاصبان را به تندی محکوم کردند.

سپس موضوع «غصب فدک» را بیان کردند و ابوبکر و عمر را در ساختن حدیث دروغین «ما انبیا از خود ارثی به جا نمی گذاریم»، رسوا نمودند.

ایشان با استدلال به آیات قرآن، ادعای واهی آنان را باطل کردند و فرمودند:

«چگونه ممکن است پدرم چنین سخنی گفته باشد، در حالی که در قرآن به ارث انبیای الهی اشاره شده است؟! آیا پدرم بر خلاف قرآن عمل می کند؟!» در بخش بعد رو به انصار کرده و از سکوت آنان شکایت نمودند.

سپس، با بیان این که «شما به دنیاخواهی و تن آسایی رو کرده‌اید.» آنها را به مقابله با ستم کاران و غاصبان فراخواندند و ضمن «شکایت از سکوت انصار»، آنان را از عواقب این کار هراساندند.



ساخت. این بار، آن حضرت با کلامی خشم آلود، «هشدار به مسلمانان» را فریاد کردند و آنان را از آتش غضب خدا بیم دادند و در پایان، برای «درد دل با پیامبر ﷺ» رو به مزار پدر خویش کردند و اشعاری جانسوز را به ایشان خطاب نمودند.



در میانه ی مجلس، خلیفه ی غاصب، که مخاطب اصلی این فریاد تند حضرت زهرا (علیها السلام) بود، برخاست و فریبکارانه، از سر سازش و نرمش در آمد. «استناد ابوبکر به حدیث دروغین در پاسخ به حضرت زهرا (علیها السلام) خالی از استدلال بود؛ از همین رو، «حضرت زهرا (علیها السلام) در پاسخ به ابوبکر»، با نگوهرش سخت او، آیات قرآن را برای باردیگر یادآور شدند.

خلیفه ی غاصب برای بار دیگر برخاست و در «پاسخ دوم خود به حضرت زهرا (علیها السلام) باره اتهام از خویش، گناه این کار را متوجه مردم

ویژگی های خطبه حضرت زهرا (ع)

یگانه بانوی هستی چنان شورآفرین و پرشعور سخن فرمود، که عقل و خرد را از خردمندی کلامش به حیرت می افکند و احساس و عاطفه را از شور عواطفش به لرزه می اندازد. هر که بدین کلام گوش فرادهد و اندک تأملی در فصاحت و بلاغتش نماید؛ یا به مضامین آن بنگرد و در معانی آن لختی دقیق شود، بی درنگ، سخن گوی آن را شخصیتی فرابشری می خواند؛ که این گونه سخن، از بشر - آن سان که

ما می شناسیم - ناممکن است.

دانشوران شیعی در آثار خود، این خطابه ی بی نظیر را با عناوینی سترگ، ستوده اند. رفعت و عظمت این کلام، هر بینند ای را چنان مبهوت خویش می کند که بی اختیار لب به تمجید و ستایش می گشاید. علی بن عیسی اربلی در کتاب کشف الغمّه می نویسد:

«خطابه ی حضرت زهرا (ع)، از نیکوترین و شگفت ترین خطبه هاست. نور نبوّت بر آن پرتو افکنده و شمیم رسالت بر رایحه ی آن اثر نموده است. این خطابه، سخنی است که مخالف و موافق آن



را روایت کرده اند.» مرحوم علامه ی مجلسی در کتاب گران قدر بحار الأنوار می نویسد: «خطابه ی حضرت زهرا علیها السلام، خطابه ای بلند و رساست که عقل فصیحان و بلیغان، از فصاحت و بلاغت آن به شگفتی و اعجاب آمده است.»

علامه سید شرف الدین در کتاب المراجعات می نویسد: «حضرت زهرا علیها السلام خطابه ای دارند که مشتمل بر احتجاج است. خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام همان گونه که فرزندان خود را به حفظ قرآن تشویق می کردند، همیشه آن ها را به حفظ خطبه ی حضرت

صدیقه علیها السلام نیز وا می داشتند.» دانشمند فرزانه مرحوم سید کاظم قزوینی در کتاب فاطمه الزهراء علیها السلام می نویسد:

«خطابه ی حضرت زهرا علیها السلام معجزه ی جاودانه ی ایشان است. این خطبه، آیتی درخشنده است و بر بُعدی سترگ از بینش و فرهنگ دینی حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد.

در این خطابه، فصاحت و بلاغت، بیان شیرین و گوارا، منطق رسا، قدرت استدلال و استواری برهان، به هم آمیخته است.»



متن خطبه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)

متن خطابه‌ی گرانسنگ حضرت زهرا (علیها السلام) دانشوران شیعه و سنی را به اندیشه واداشته است. حدیث نگاران، تاریخ نویسان، متکلمان و اندیشه ورزان، متن آن را نقل کرده اند و دسته‌ای پیرامون آن سخن رانده و تألیفاتی به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. دو دانشمند بلندپایه‌ی اهل سنت، به نام‌های ابوالفرج اصفهانی و احمدبن عبدالواحد ابن عبدون، هریک به طور مستقل، تألیفاتی درباره‌ی این خطابه از خود به جا گذاشته اند. در

ادامه، اسامی تعدادی از دانشوران اهل سنت را که به نقل متن خطابه پرداخته اند ذکر می‌کنیم:

۱. احمد بن ابی طاهر ابن طیفور در کتاب بلاغات النساء
۲. ابوبکر احمدبن عبدالعزیز جوهری در کتاب السقیفه
۳. ابوالطیب محمد بن إسحاق الوشاء در کتاب الفاضل فی صفه الأدب الکامل
۴. ابوبکر احمدبن موسی بن مردویه در کتاب مناقب
۵. محمدبن حسن بن حمدون در کتاب التذکره الحمدونیّه



۶. مجدالدین مبارک معروف به ابن‌اثیر در کتاب منال

الطالب فی شرح طوال الغرائب

۷. یوسف بن فرغلی معروف به سبط بن جوزی در کتاب

تذکره الخواص

۸. محمد بن أحمد باعونی دمشقی در جواهرالمطالب فی

مناقب الإمام علی بن‌ابی‌طالب

از آن رو که کلام حضرت زهرا (علیها السلام) سندی روشن

در اثبات مظلومیّت امیرمؤمنان و حضرت زهرا (علیها السلام)

است، دانشمندان شیعی بیش از دیگران به واکاوی

و پژوهندگی پیرامون این خطابه اهتمام ورزیده

اند. اسامی تعدادی از این بزرگان بدین شرح است:

۱. شیخ صدوق در کتاب علل الشّرایع

۲. شیخ مفید در کتاب أمالی

۳. سیّد مرتضی در کتاب الشّافی فی الإمامه

۴. شیخ طوسی در کتاب تلخیص الشّافی

۵. محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الإمامه

۶. ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل‌ابی‌طالب

۷. شیخ طبرسی در کتاب الإحتجاج

۸. ابوسعید منصور بن حسین آبی در کتاب نثر الدرّ

۹. ابومحمد المنصور الیمینی در کتاب أنوار الیقین

۱۰. جمال الدین یوسف بن حاتم شامی در کتاب الدّر النّظیم

۱۱. کمال الدین میثم بن علی بن میثم در کتاب شرح نهج البلاغه

۱۲. محدّث بحرانی در کتاب الدّر النّجفیّه



ترجمه ی خطبه ی حضرت زهرا (علیها السلام)

تاکنون ترجمه های متعددی از خطابه ی گران قدر حضرت زهرا (علیها السلام)، ارائه شده است. هریک از این ترجمه ها، از ویژگی هایی چون دقت یا روانی برخوردار است.

به رغم همه ی تلاش های صورت گرفته، احساس می شود که زبان ترجمه ها، از زبان فارسی معیار، فاصله دارد. از همین رو، بر آن شدیم تا ترجمه ای روان تر ارائه دهیم.

ترجمه ای که تطابق معنایی را حفظ کند و در

آن چه در دست دارید، متن خطابه ی حضرت زهرا (علیها السلام)، به نقل از روایت کتاب شریف الإحتجاج، در جلد ۱، صفحه ی ۹۷ تا ۱۰۷ است. دانشمند بزرگ، شیخ طبرسی این روایت را با سند صحیح، از امام حسن مجتبی (علیه السلام) نقل نموده است؛ ما نیز همان متن را بدون هیچ گونه تغییر و تلفیق، ارائه کرده ایم.



عین حال به زبان عموم مخاطبان، نزدیک باشد؛
آن چنان که خواننده با آن احساس بیگانگی نکند
و خود را با آن کلام دل نشین، نزدیک ببیند.
لازم است برای آشنایی بیشتر با ترجمه، نکات زیر
را یادآوری نماییم:

- در ارائه ی این ترجمه، از ترجمه های موجود
بهره گرفته ایم. بر خود ضروری می دانیم
که از این محققان و نویسندگان محترم،
سپاسگزاری کنیم.
- در ترجمه ی آیات، از تلاش های مترجمان

محترم قرآن، استفاده نموده ایم. از اساتید
محترم ترجمه ی قرآن، سپاس و تشکر داریم.
- به منظور دستیابی به دقت بیشتر، در برخورد
با بعضی از واژه ها به کتاب های مشهور لغت،
مراجعه کردیم.

- برای رفع ابهام و دستیابی به منظور کلام
حضرت زهرا (علیها السلام)، در بعضی موارد به روایات
معصومین (علیهم السلام) مراجعه نمودیم.

- پس از این همه، از آن رو که متن کلام، از
قاعده ی اجمال و ظهور و نص، استثناء نیست؛
در برخورد با کلام مجمل یا دارای ظهور خاص،



به یک معنی اکتفا نمودیم.

به منظور معرفی سبک ترجمه، باید یادآوری کنیم؛

از آن رو که اهتمام نخستین ما، روانی ترجمه بود، معنای برداشت شده از متن عربی را به زبان فارسی معیار برگردانیدیم؛ هرچند تلاش می کردیم که در معنای سخن، کم و کاست یا تغییر و انحرافی صورت نگیرد.

بنابراین امیدواریم محققان محترم که از زاویه ی «ترجمه ی لغت به لغت» می نگرند، به این سبک ترجمه توجه نمایند؛ که هدف، رساندن مراد و

منظور خطابه حضرت زهرا علیها السلام بوده است؛ البته با حفظ امانت.

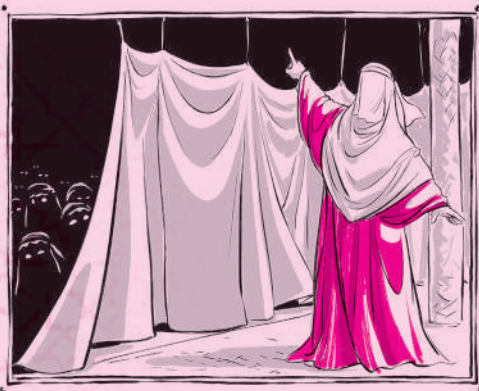
به آن امید که این ترجمه، بیش از پیش به کام خوانندگان، شیرین بنشیند.

این تلاش ناچیز، که بضاعت مزجاش هم نمی توان نامید؛ تقدیم به آستان آسمانی مولانا الحجه، صاحب الزمان صلوات الله علیه. به آن امید که بر چهره ی غم زده اش، گل لبخند نشانند.

گروه ترجمه



ابوبکر و عمر با یکدیگر هم دست
شدند تا غاصبانه باغ‌های فدک
را از حضرت زهرا علیها السلام بگیرند. با
شنیدن این خبر حضرت زهرا علیها السلام
(برای ایراد سخنرانی و دفاع از
حقشان) وارد مسجد شدند.



لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَذَكَ،
وَبَلَغَهَا ذَلِكَ، لَأَثَتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اشْتَمَلَتْ
بِحِلْبَانِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لُحْمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نَسَاءِ قَوْمِهَا؛
تَطَأُ دُيُولَهَا. مَا تَخْرِمُ مَشِيئَتَهَا مَشِيئَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ،
حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ، وَ هُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ
الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ غَيْرِهِمْ.



ابوبکر و عمر با یکدیگر هم دست شدند تا غاصبانه
باغ های فدک را از حضرت زهرا علیها السلام بگیرند. با
شنیدن این خبر، حضرت زهرا علیها السلام مقنعه ی خود را
به سر کردند و چادرشان را پوشیدند؛ سپس در میان
گروهی از بانوان که همگی از بستگان و خویشان آن
حضرت بودند، به طرف مسجد به راه افتادند.
چادر آن حضرت آن قدر بلند بود که هنگام
حرکت، سرپایشان را پوشانده بود. راه رفتن ایشان
مانند راه رفتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. حضرت زهرا
علیها السلام وارد مسجد شدند. ابوبکر در میان عده ای از
مهاجران و انصار نشسته بود.

فَنِيَطْتُ دُونَهَا مُلَاءَةً، فَجَلَسْتُ. ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ
الْقَوْمُ لَهَا بِالْبُكَاءِ، فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَهْلَتْ هُنَيْئَةً
حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيْجُ الْقَوْمِ وَ هَدَأَتْ فُورَتُهُمْ.
اِفْتَتَحَتِ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ، فَعَادَ الْقَوْمُ فِي بُكَائِهِمْ فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ
فِي كَلَامِهَا، فَقَالَتْ ﷺ:



میان مردم و آن حضرت پرده ای آویختند و ایشان
پشت پرده نشستند. سپس حضرت زهرا علیها السلام ناله ای
سوزناک سردادند. با ناله ای آن حضرت، همه ی
مردم گریستند و مجلس به جوش و خروش افتاد.
حضرت مدّتی صبر کردند تا صدای گریه ی مردم
آرام گرفت و ضجه هایشان ساکت شد.
در این هنگام، حضرت زهرا علیها السلام سخنان خود را
با حمد و ستایش خدای متعال و سلام و درود
بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آغاز نمودند. مردم بار دیگر،
گریستند. وقتی صدای گریه ی مردم ساکت شد،
آن حضرت به سخنان خود ادامه دادند و فرمودند:

﴿ ۱ ﴾ خداشناسی ﴿ ۱ ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعَمُ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ،
وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمْ مِنْ عُمُومِ نِعَمِ ابْتِدَاءَهَا، وَ سُبُوحِ
آلَاءِ أَسْدَاهَا، وَ تَمَامِ مَنِّ أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ
عَدْدُهَا،



خدا را به خاطر همه ی نعمت هایش، سپاس و
ستایش می کنم؛ و برای آن چه آموخته، شکر
و سپاس می گویم. او نعمت های متنوعی را
عطا کرده؛ و بخشش های فراوانی را ارزانی داشته؛
و نعمت های کاملی را لطف نموده است.
او را به خاطر همه ی این ها، که پیشاپیش به
بندگان بخشیده، ستایش می کنم. نعمت های او
بی شمار است.

حضرت زهرا (علیها السلام) سخنانشان را با
حمد و ثنای الهی آغاز کردند و
فرمودند: انسان از درک نعمت‌های
بی‌انتهای خدا عاجز است. خداوند
مردم را به شکرگزاری دعوت کرده
است تا نعمتهایشان زیاد گردد.



وَنَأَى عَنِ الْجُزَاءِ أَمْدُهَا، وَتَفَاوَتْ عَنِ الْإِذْرَاكِ أَبْدُهَا،
وَنَدَبُهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَاسْتَحْمَدَ إِلَى
الْخُلَاقِ بِإِجْزَالِهَا، وَتَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا. وَ أَشْهَدُ
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةُ جَعَلَ
الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلُهَا، وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولُهَا.



هرگز نمی‌توان نعمت‌های خدا را جبران نمود.
انسان از درک نعمت‌های بی‌انتهای خدا عاجز است.
خداوند مردم را به شکرگزاری دعوت کرده است؛ تا
نعمت‌هایشان زیاد گردد و پی‌درپی به آن‌ها عطا شود.
خدا از آن‌ها خواسته است، به خاطر نعمت‌های بزرگ
و فراوانش، او را سپاس و ستایش کنند؛ و بندگان
نعمت‌های دیگری از او طلب کنند، تا او نیز آن‌ها را
دوچندان کند. شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا
نیست. او یکتاست و شریکی ندارد. «لا اله الا الله»
سخنی است که درون مایه و نتیجه‌اش اخلاص است.
خداوند دل‌ها را به یگانه‌پرستی پیوند داده است.

وَأَنَارَ فِي الثَّفَكْرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ
رُؤْيَاهُ، وَمِنَ الْأَلْسِنِ صِفَتُهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.
ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا
بِلَا اخْتِدَاءٍ أَمْثَلَةٍ اِمْتَثَلَهَا. كَوَّنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَذَرَأَهَا
بِمَشِيئَتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَائِدَةٍ
لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا



خداوند فکر انسان را برای درک یکتایی‌اش روشن
نموده است. چشم‌ها از مشاهده‌ی او ناتوان‌اند؛
زبان‌ها از توصیف او بازمانده‌اند و وهم و خیال
از درک چگونگی‌اش عاجز‌اند. خداوند همه‌ی
آفریدگان را پدید آورد؛ ولی آن‌ها را از چیزی
که قبلاً وجود داشته باشد، نیافرید. او آن‌ها را
آفرید بدون این که از الگو و نمونه‌ای پیروی
کند. خداوند، با قدرت خود به آفریدگانش هستی
بخشید و با اراده‌ی خود آن‌ها را خلق نمود. او
هرگز به آفرینش آنان محتاج نبود و شکل دادن
آن‌ها، هیچ سودی برایش نداشت.

إِلَّا تَنْبِيئًا لِحُكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيهاً عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَاراً
لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعْبُداً لِبَرِّيَّتِهِ، وَ إِعْزَازاً لِدَعْوَتِهِ. ثُمَّ جَعَلَ
الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ،
ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نَقْمَتِهِ وَ حَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.



خدا با آفرینش خود تنها می‌خواست حکمتش را
ثابت کند و به مخلوقاتش فهماند که باید از او
اطاعت کنند.

او تنها می‌خواست قدرتش را آشکار نماید؛
بندگان را به پرستش خود وادارد و با عزت و
اقتدار، آفریدگانش را به بندگی خود دعوت کند.
سپس او برای اطاعتش پاداش و ثواب قرار داد و
برای نافرمانی اش کیفر و عذاب مشخص کرد؛ تا
بندگان را از عذاب خود دور کند و به بهشت
خود تشویق نماید.

پدرم محمد ﷺ با چراغ هدایت،
در میان مردم به پا خاست؛ و
آنان را از گمراهی نجات داد و
به دل‌های تاریکشان، بصیرت و
بینایی بخشید و آنان را به دین
استوار هدایت کرد.



۲) پیامبر شناسی

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اخْتَارَهُ وَ
اِنتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ،
وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ. إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ
مَكْنُونَةٌ، وَ بِسَرِّ الْأَهْوَالِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ
الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ.



شهادت می‌دهم که پدرم، محمد صلی الله علیه و آله بنده و
فرستاده‌ی خداست. خدا او را پیش از آن که
به سوی مردم بفرستد، انتخاب نمود؛ و پیش از
انتخاب، او را برتری داد و نام‌گذاری کرد. خداوند
پیش از بعثت پیامبر، او را برگزید. گزینش او در
آن هنگامی بود که همه‌ی آفریدگان در پرده‌ی
غیب، پنهان بودند. در آن زمان، همه چیز در
پوشش‌هایی از جنس ترس و بیم محافظت می
شد و در نهایت نیستی و عدم بود.

عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَنَائِلِ الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ
الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ. ابْتِغَاةً لِلَّهِ تَعَالَى
إِثْمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِنْفَادًا
لِمَقَادِيرِ حُثْمِهِ. فَرَأَى الْأُمَمَ فَرَقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكُفًا عَلَى
نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُشْكِرَةً لِلَّهِ مَعَ عِزْفَانِهَا.



خداوند به نتیجه‌ی همه‌ی کارها آگاه است؛ او
حوادث روزگار را می‌داند.

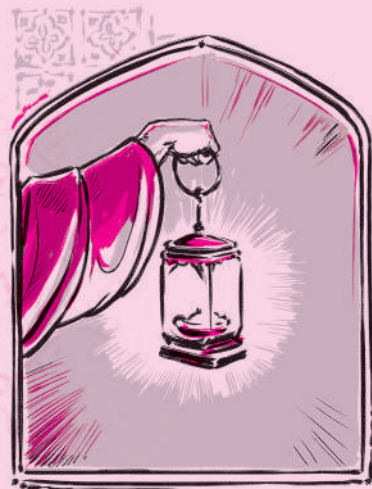
او می‌داند، هر واقعه‌ای در چه زمانی اتفاق می‌افتد؛
به همین خاطر خدای متعال، پیامبرش را مبعوث
کرد تا دستور خود را به دست او کامل کند و
فرمانش را قطعی نماید و تقدیراتش را به اجرا
درآورد. مردم را می‌دید که چگونه فرقه فرقه
شده‌اند؛ هر کدامشان دینی برای خود برگزیده‌اند؛
و به آتشی که به دست خود برافروخته‌اند،
رو کرده‌اند. بت‌ها را می‌پرستند و با این که خدا را
می‌شناسند، انکارش می‌کنند.

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظُلُمَهَا،
وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ
غُمَهَا، وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ،
وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ
دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.



در چنین شرایطی بود که خداوند، تیرگی‌هایشان
را به وجود پدرم، محمد صلی الله علیه و آله روشن نمود و نادانی
را از دل‌هایشان زدود؛ پرده‌های ظلمت را از
برابر چشمانشان کنار زد و دیدگانشان را روشنی
بخشید. پدرم، محمد صلی الله علیه و آله با چراغ هدایت، در
میان مردم به‌پا خاست؛ و آنان را از گمراهی
نجات داد و به دل‌های تاریکشان، بصیرت و
بینایی بخشید. آنان را به دین استوار هدایت
کرد. به راه راست دعوت نمود.

ما، اهل بیت، پیشوای حق
خداوند در میان شما هستیم؛ خدا
ما را به عنوان عهد و پیمان خود،
به شما هدیه داده است. خداوند
ما را به عنوان جانشین خود، در
میان شما قرار داده است.



ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ
 إِثْنَارٍ؛ فَمُحَمَّدٌ ﷺ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ،
 قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ
 مُجَاوَزَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ. صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيٍّ وَ أُمِينِهِ
 وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ
 اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ



سپس خداوند از سر مهر و رأفت، او را قبض
 روح کرد؛ و برای ملاقات خود برگزید. خداوند
 به دیدارش مشتاق بود و آخرت را برایش ترجیح
 می‌داد. اکنون پیامبر اکرم ﷺ از رنج و سختی‌های
 این دنیا آسوده است؛ و فرشتگان نیکوی خدا، او
 را دربرگرفته‌اند. او از رضایت خداوندِ بخشاینده،
 بهره‌مند است و در مجاورت آن فرمان‌روای مقتدر،
 جای دارد. درود خداوند بر پدرم، که پیامبر اوست.
 او امانت‌دار امانت‌های الهی است. خدا او را از میان
 بندگان برگزیده است. سلام و رحمت و برکات
 خدا، بر او باد.

﴿ ۳ ﴾ قرآن شناسی ﴿ ۳ ﴾

ثُمَّ التَّفَتَتْ ﴿٣٤﴾ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَقَالَتْ:
أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ! نُصِبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَحَمَلُهُ دِينَهُ وَ
وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ،
وَ (نَحْنُ) رَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فَيْكُمُ، وَ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ.



در این هنگام، حضرت زهرا (علیها السلام) حاضران مجلس را خطاب کردند و فرمودند:

ای بندگان خدا! شما مخاطب امر و نهی خداوند هستید. دین خدا و آن چه بر پیامبرش وحی شده، پیش شماست. خدا آن را به عنوان امانت، نزد شما قرار داده است؛ و شما باید که باید آن را برای خود نگه دارید و به دیگران برسانید. ما، اهل بیت، پیشوای حق خداوند در میان شما هستیم؛ خدا ما را به عنوان عهد و پیمان خود، به شما هدیه داده است.

وَبَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ، (وَمَعَنَا) كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ،
وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ، وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ،
بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيةٌ ظَوَاهِرُهُ،
مُعْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، فَإِنَّدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدٍّ إِلَى
النَّجَاةِ إِسْتِمَاعُهُ



خداوند ما را به عنوان جانشین خود، در میان
شما قرار داده است. کتاب خدا همراه ماست.
قرآن، کتاب گویای الهی می باشد، که به درستی
و راستی سخن می گوید. این قرآن، نوری تابنده
و پرتوی روشن گر است. کتاب خدا به روشنی،
مایه ی بینش و بصیرت مردم است. قرآن کتابی
است که رازهایش آشکار شده و ظاهر آن، جلوه
گر است. پیروان این کتاب، مورد رشک و حسرت
دیگران اند. هر که از قرآن پیروی کند، به بهشت
راهنمایی می شود و هر که به آیات آن دل بسپارد،
به نجات و رستگاری می رسد.

کتاب خدا همراه ماست. به وسیله
قرآن می‌توان به حجّت‌های
روشن خدا دست پیدا کرد.
خداوند در کتاب خود، واجبات
را برای مردم بیان کرده و آنان
را از گناهان باز داشته است.



به وسیله قرآن می‌توان به حجت‌های روشن خدا دست پیدا کرد. خداوند در کتاب خود، واجبات را برای مردم بیان کرده و آنان را از گناهان بازداشته است. با قرآن می‌توان به نشانه‌های نمایان خدا رسید و به برهان‌های خداوند که مردم را از هرچیز دیگری بی‌نیاز می‌کند، دست یافت. مردم به فضیلت‌های الهی دعوت شده‌اند، و با کمک قرآن می‌توانند به آن‌ها برسند. کتاب خدا، راه رسیدن به دین آسان اوست؛ همان دینی که هدیه‌ی او به مردم است. احکام و دستورهای او، با قرآن قابل دستیابی است.



بِهِ تُنَالُ مُجْجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ وَعَزَائِمُهُ الْمَفَسَّرَةُ
وَمَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَبَرَاهِينُهُ
الْكَافِيَّةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَرُخَصُهُ الْمُؤَهَّبَةُ،
وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ

﴿ ۴ ﴾ احکام الهی ﴿ ﴾

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ
تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِیَةً لِلنَّفْسِ وَ نَمَاءً
فِي الرِّزْقِ، وَ الصَّيَّامَ تَثْبِيتاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحُجَّ تَثْبِیْداً
لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ،
وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ



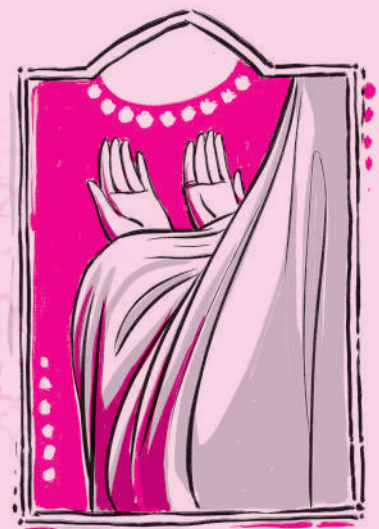
خداوند، ایمان را برای پاک شدن از شرک؛ و
نماز را برای دور نگه داشتن شما از تکبر واجب
نموده است. او شما را به زکات دستور داده تا از
آلودگی ها پاک شوید و روزیتان زیاد گردد؛ و به
روزه فرمان داده تا اخلاص در دل هایتان ثابت
شود. حج را برای تقویت پایه های دین، و عدالت را
برای نظم و همدلیتان، واجب نموده است. خداوند
برای سامان یافتن جامعه، پیروی از ما اهل بیت را
بر همه واجب کرده و برای در امان ماندن از تفرقه،
ما را امام مردم قرار داده است. او جهاد را وسیله ی
عزت و سربلندی اسلام گذارده است.

وَالصَّبْرُ مُعَوْنَةٌ عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَ الْأَمْرُ
بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَامَّةِ، وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةُ
مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةٌ فِي الْعُمُرِ وَ
مَنْمَاءٌ لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصُ حَقُّاً لِلدَّمَاءِ، وَ الْوَفَاءُ
بِالنَّذْرِ تَغْرِيبُهَا لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةُ الْمَكَايِلِ وَ
الْمَوَازِينِ تَغْيِيرٌ لِلْبَحْسِ.



و شما را به صبر فرمان داده، تا به پاداش الهی
دست یابید. او امر به معروف را واجب نموده، تا
جامعه صالح شود؛ و برای آن که از خشمش در
امان بمانید، نیکی به پدر و مادر را واجب نموده
است. خداوند پیوند و ارتباط با خویشاوندان را
مایه‌ی طول عمر و زیادی فرزندان، قرار داده
است؛ و به قصاص امر فرموده تا حرمت خون‌ها
نگه داشته شود. او وفای به نذر را راهی برای
رسیدن به آمرزش خود قرار داده است؛
و به رعایت انصاف و عدالت در معاملات
دستور داده، تا کسی کم فروشی نکند.

پس آن‌گونه که شایستهٔ اوست
(خدا)، تقوا پیشه کنید. مبادا
در حالی که مسلمان نیستید از
دنیا بروید. درامر و نهی الهی
از او پیروی کنید و بدانید از
میان بندگان خدا، تنها عالمان
(کسانی که به خدا و اولیای خدا
معرفت دارند) از او می‌ترسند.



وَالْمُهَيَّي عَنْ شَرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ جِاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَتَرْكَ السَّرِقَةِ إِجَاباً لِلْعَفَّةِ، وَحَرَمَ اللَّهُ الشَّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، (فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) وَاطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ).



او شما را برای در امان ماندن از پلیدی‌ها، از شراب خواری نهی فرموده است.
خدا نسبت ناروا دادن به زنان پاکدامن را بر شما حرام کرده است تا گرفتار نفرین و لعنتش نشوید.
او برای دوری از آلودگی، شما را از دزدی بازداشته؛ و شرک را بر شما حرام نموده تا فقط او را پروردگار خود بدانید.
پس آن گونه که شایسته‌ی اوست، تقوا پیشه کنید.
مبادا در حالی که مسلمان نیستید از دنیا بروید. در امر و نهی الهی از او پیروی کنید و بدانید از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او می‌ترسند.

﴿ ۵ ﴾ معرفی خود و پیامبر اکرم ﷺ ﴿ ۵ ﴾

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْوًا، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا. (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ)



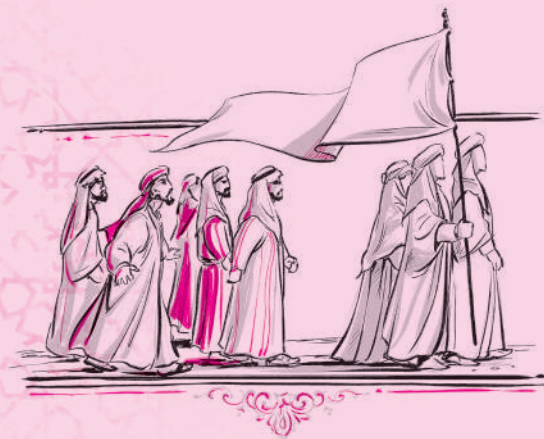
در ادامه، حضرت زهرا (ع) فرمودند:
ای مردم! بدانید که من فاطمه هستم و پدرم محمد است که درود خدا بر او و خاندانش باد. دوباره می‌گویم و پیش از این هم گفته‌ام. هرگز سخن نادرستی نمی‌گویم و در کارهایم از حق فاصله نمی‌گیرم. پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید؛ به (خیر و صلاح) شما بسیار علاقه‌مند است؛ و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان می‌باشد.

فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَتَعْرِفُوهُ مَجْدُوهُ أَبِي دُونِ نِسَائِكُمْ وَأَخَا ابْنِ
 عَمِّي دُونِ رِجَالِكُمْ، وَ لِنَعْمِ الْمَعْزِي إِلَيْهِ؛ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ، صَادِعاً بِالنَّدَارَةِ،
 مَائِلاً عَنْ مَذْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً تَبَجُّهُمْ، آخِذاً
 بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
 الْحُسْنَى



اگر پیامبر خدا را بشناسید و نسبت او را بدانید،
 می بینید که او فقط پدر من است و هیچ یک از زنان،
 این وابستگی را با او ندارند؛ و در می یابید که او فقط
 با پسر عمویم، امیرالمؤمنین علیه السلام برادر است. پیوند و
 وابستگی با او، چه خوب و نیکوست. درود و سلام خدا
 بر او و خاندانش باد. پدرم، رسالت الهی را انجام داد. او
 با هشدار خود به مشرکان، پیکره‌ی آنان را شکافت. از
 راه مشرکان رو بر گرداند. بزرگی و عظمتشان را در هم
 کوبید. گلوی آنان را فشرد و راه نفسشان را بست. با
 سخنان حکمت‌آمیز، و با پند و اندرز نیکو، مردم را به
 راه پروردگار خود دعوت نمود.

شما همراه با اهل بیت پیامبر
علیهم السلام، به ذکر توحید لب گشودید؛
همان اهل بیتی که چهره هایشان
روشن و درخشان است و شکم
خود را از دنیا خالی نگه می دارند.



يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ، وَ يَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى ائْهَزَمَ الْجُمُعَ
وَلَوْا الدُّبَرَ. حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ أَسْفَرَ
الْحَقُّ عَنْ مُحْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرِسَتْ
شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ وَ طَاحَ وَشِيْطُ النَّفَاقِ، وَ انْخَلَّتْ
عُقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهُمُ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ
مِّنَ الْبَيْضِ الْخَمَاصِ



او بت‌ها را در هم شکست. سرهای مشرکان را از بدن هایشان جدا کرد؛ این گونه اجتماعشان شکست خورد و یارانشان گریختند. او که مانند صبح روشن بود، با روشنایی خود، تیرگی‌های شب را شکافت؛ و از گوهر ناب حقیقت، پرده برداشت. او که سرپرست و نگهبان دین بود، به سخن درآمد؛ و زبان شیطان‌ها گنگ و لال شد. منافقان پست و بی‌اصل، به نابودی کشیده شدند و پیمان‌های کفر و دشمنی از هم گسست. در نتیجه، شما همراه با اهل بیت پیامبر ﷺ، به ذکر توحید لب‌گشودید؛ همان اهل‌بیتی که چهره هایشان روشن و درخشان است و شکم خود را از دنیا خالی نگه می‌دارند.

﴿ ۶ ﴾ توصیف دوران جاهلیت ﴿﴾

(وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ)، مُدَقَّةَ الشَّارِبِ،
وَمُهَنْزَةَ الطَّامِعِ، وَقَبَسَةَ الْعَجَلَانِ، وَ مَوْطِئِ الْأَقْدَامِ،
تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَّ، أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ.



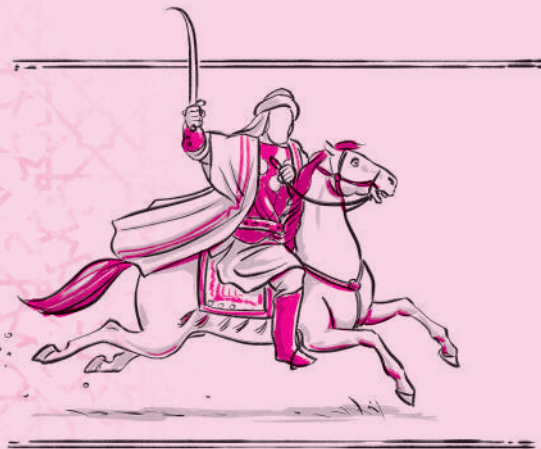
شما بر لبه ی پرتگاه آتش جهنم بودید. آن قدر
پراکنده و ضعیف بودید که هم چون نوشیدن آب،
هر تجاوزگری می توانست شما را به راحتی از
بین ببرد. مانند صیدی بودید که هر صیادی در
شکارتان طمع می کرد. مانند شراره ای بودید
که هر سودجویی می توانست از شما برای
خود آتشی بیفروزد. آری، شما در نهایت ذلت و
پامال قدرت ها بودید. آب گندیده و کثیف می
آشامیدید و پوست حیوانات را می خوردید. ذلیل
بودید. همه، شما را رانده بودند.

تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ. فَانْقَذَكُمُ
 اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 بَعْدَ اللَّيْتِ وَ الَّتِي، وَ بَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرَّجَالُ،
 وَ دُؤْبَانِ الْعَرَبِ، وَ مَرْدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ (كُلَّمَا
 أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ)



همیشه می ترسیدید که اطرافیانتان، دست تجاوز
 به سوی شما دراز کنند و شما را بربایند. پس از این
 همه خواری و پستی، خداوند بلندمرتبه، شما را به
 دست پدرم محمد از آن وضعیت نجات داد. درود
 خدا بر او و خاندانش باد. خداوند شما را به وسیله‌ی
 او نجات داد بعد از آن که او را به کسانی مبتلا
 نمود که هم چون چهارپایان در نهایت سفاهت و
 بی‌خردی زندگی می کردند؛ آن‌ها همان عرب‌هایی
 بودند که هم چون حیوانات وحشی، خُلق و خوی
 دَرندگی داشتند؛ و آن یهودیان و مسیحیانی بودند
 که طغیان و سرکشی می‌نمودند. آنان کسانی بودند
 که هرگاه آتش جنگ را برمی افروختند، خدا آن را
 خاموش می‌کرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام همان
کسی است که در راه خدا، هر
سختی و رنجی را به جان
می‌خرد. او در اجرای دستور خدا،
بسیار تلاش می‌کرد. او به رسول
خدا صلی الله علیه و آله بسیار نزدیک بود.



﴿۷﴾ معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام

أَوْ نَجَمَ قَوْمٌ لِلشَّيْطَانِ، وَ فَعَزَّتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ،
قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا
بِأُخْصِيهِ، وَ يُحْمَدُ لَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ،
وَ مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ.



آری؛ هر وقت فتنه های شیطان، چون شاخ
حیوان درنده ای آشکار می شد و اژدهای
مشرکان دهان خود را می گشود؛ پدرم، برادرش
امیرالمؤمنین علیه السلام را در کام دشمن می افکند.
امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز، تا آنان را لگدمال
قدرت خود نمی کرد، از کارزار بر نمی گشت؛
و تا شراره ی فتنه را با شمشیر خود خاموش
نمی کرد، از جنگ و پیکار دست بر نمی داشت.
امیرالمؤمنین علی علیه السلام، همان کسی است که در
راه خدا، هر سختی و رنجی را به جان می خرید.
او در اجرای دستور خدا، بسیار تلاش می کرد.

قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً
 نَاصِحاً، مُجِدِّاً كَادِحاً، وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةِ مَنْ
 الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَأَكْهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا
 الدَّوَائِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَتَكَيَّصُونَ عِنْدَ
 النَّزَالِ، وَ تَفِرُّونَ عِنْدَ الْقِتَالِ



او به رسول خدا نزدیک بود. او سید و سرور اولیای خدا
 بود. او در راه خدا، بلندهمت و برای مردم، خیر خواه
 بود. او برای خدا، بسیار تلاش می کرد و در راه او
 کوشش می نمود. هیچ کس نمی توانست با سرزنش
 خود او را از راه خدا منحرف کند. این در حالی بود
 که شما در آسایش زندگی می کردید؛ و در رفاه به
 سر می بردید؛ آسوده خاطر، دل خوش و عافیت طلب
 بودید. منتظر بودید که سختی های روزگار، بر
 ما هجوم آورد. و شما تنها به انتظار خبرهای آن،
 نشستہ بودید. هنگام جنگ، عقب نشینی می کردید و
 از میدان نبرد فرار می نمودید.

﴿ ۸ ﴾ شکایت از غضب امامت ﴿ ۵۵ ﴾

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ اُنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى اَصْفِيَائِهِ،
ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ
نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَعَ حَامِلُ الْأَقْلَيْنِ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ
الْمُبْطِلِينَ فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ.



خداوند سرای آخرت را برای پیامبرش برگزید.
همان جایی که سرای پیامبران و جایگاه بندگان
برگزیده‌ی خداست. با رفتن او، نفاق و دورویی
مانند بوته‌های خار، در میان شما ظاهر گشت؛
و دین، که لباسی زیبا بود، کهنه و فرسوده شد.
آن گمراهانی که ساکت بودند و چیزی اظهار
نمی‌کردند، یکباره به سخن آمدند؛ و کسانی که
پست‌ترین انسان‌ها بودند و در گمنامی به سر می‌بردند، ناگهان آشکار شدند. اهل باطل مانند شتری
که نعره می‌کشد و دم می‌جنباند، به هیاهو
پرداختند و در اجتماع شما، جولان دادند.

شیطان ... شما را در برابر حق،
برانگیخت و دید به آسانی
برمی‌خیزید. او آتش فتنه را در
درونتان شعله‌ور کرد و دید که
شما در راه مخالفت با حق، به
راحتی رضایت خدا را نادیده
می‌گیرید.



وَأَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ،
فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغُرَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ،
ثُمَّ اسْتَنْصَحَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خَفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَالْفَاكُمُ
غَضَابًا، فَوَسَّطَكُمْ غَيْرَ إِلَيْكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِ بِكُمْ.



شیطان از مخفی گاه خود سر برآورد و شما را به طرف
خود دعوت کرد. او دید شما کسانی هستید که به
دعوتش پاسخ مثبت می دهید و به فریبش، چشم
دوخته اید. پس شما را در برابر حق، برانگیخت و دید
به آسانی برمی خیزید. او آتش فتنه را در درونتان
شعله ور کرد و دید که شما در راه مخالفت با حق، به
راحتی رضایت خدا را نادیده می گیرید. آن جایگاهی
را که مربوط به شما نبود، به نام خود مهر زدید؛ مانند
کسی که غاصبانه شتر دیگران را به نام خود می زند.
و منفعت هایی را که برای دیگران بود، ظالمانه برای
خود برداشتید؛ مانند کسی که غاصبانه از چشمه ی
آب دیگران استفاده می کند.

هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلِمُ رَجِيبٌ، وَالْجُزْخُ لَمَّا
يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، ابْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ
الْفِتْنَةِ، (أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ
بِالْكَافِرِينَ)؛ فَهِيَاتِ مِنْكُمْ وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنَا
تُؤْفَكُونَ؟



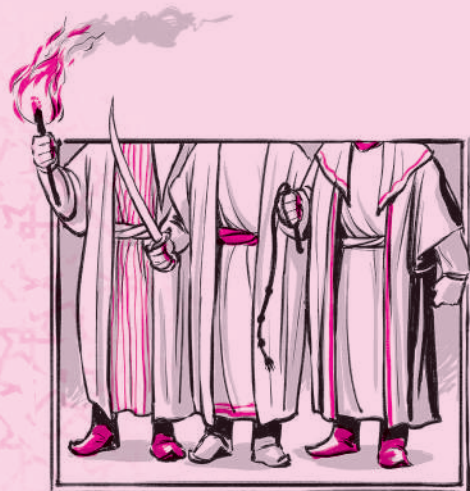
این ها همه درحالی بود که از عهد و پیمانتان با
پیامبر، چیزی نگذشته بود؛ و داغ رحلت او همه
جا را فرا گرفته بود. زخم دل های داغ دیده، هنوز
التيام نیافته بود؛ و رسول خدا، هنوز به خاک سپرده
نشده بود. به سرعت به دنبال نقشه های فریبکارانه
خود رفتید؛ و وانمود کردید که می ترسید مسلمانان
در فتنه بیفتند. پیمان شکنان بدانند، این خودشان
هستند که در فتنه افتاده اند؛ آنان کافران و آتش
جهنم کافران را دربرمی گیرد. این رفتار از شما بعید
است! چرا این گونه عمل می کنید؟ روی خود را از
حقیقت برگردانده اید؛ به کجا رو کرده اید؟

وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ. أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ
 أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَغْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ
 لَا يُحْتَجُّ، وَ أَوْامِرُهُ وَاضِحَةٌ. فَدَخَلْتُمُوهُ وَرَاءَ
 ظُهُورِكُمْ، أَرُغِبَةً عَنْهُ تُرِيدُونَ، أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ
 (بُنْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا)



این در حالی است که کتاب خدا، در میان
 شماست. قرآن کتابی است که کلامش آشکار؛ و
 دستورش روشن است. نشانه های حقیقت در آن
 می درخشد. باطن قرآن سپید و روشن؛ و فرمان
 های آن واضح و آشکار است. اما شما به قرآن
 پشت کرده اید. آیا می خواهید به قرآن بی اعتنائی
 کنید؟ آیا می خواهید با چیزی غیر از قرآن،
 حقیقت را اثبات کنید؟ برای ستم کاران چه بد
 است که قرآن را با چیز دیگری عوض می کنند!

آتش فتنه را به پا کردید و آن را
شعله‌ور نمودید. به فریاد شیطان
فریبکار پاسخ دادید. تصمیم
گرفتید نورِ درخشنده‌ی دینِ خدا
را خاموش کنید؛ و سنت‌های
پیامبر برگزیده‌ی خدا را رها نمایید.



(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ
هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ
أَنْ تَسْكُنَ نَفْسُهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادُهَا؛ ثُمَّ أَخَذْتُمْ
تُورُونَ وَقُدَّتْهَا، وَ تُهَيِّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ
لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ
الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّافِيِّ.



هرکس غیر از اسلام دین دیگری برای خود انتخاب
کند، از او پذیرفته نمی‌شود و در آخرت از زیان
کاران است. شما در ظلم و خیانت، هیچ تأخیری
نکردید و اگر هم اندکی صبر نمودید، فقط
به اندازه‌ای بود که پایه‌های حکومتان تثبیت
شود. می‌خواستید مرکب کودتا، رم نکند و افسار
حکومت در دستتان قرار بگیرد. پس از این، آتش
فتنه را به پا کردید و آن را شعله ور نمودید. به
فریاد شیطان فریبکار پاسخ دادید. تصمیم گرفتید
نور درخشنده ی دین خدا را خاموش کنید؛ و
سنت های پیامبر برگزیده ی خدا را رها نمایید.

تَشْرَبُونَ حَسَوًا فِي اِزْتِعَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ
وُلْدِهِ فِي الْخُمْرِ وَ الصَّرَاءِ، وَ يَصِيرُ مِنْكُمْ عَلَى
مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى، وَ وَخَزِ السَّانِ فِي الْحَشَا.



اینک نیز وانمود می کنید به فکر مصلحت اسلام
هستید، اما در واقع هدفتان، قدرت و ریاست
است و می خواهید با اهل بیت پیامبر، دشمنی
کنید.

با اهل بیت پیامبر و فرزندان او، با فریبکاری و
کینه توزی رفتار می کنید.

ظلم و ستمی که از شما به ما می رسد، مانند
زخم شمشیر، دردناک؛ و مانند جراحت نیزه،
جگرسوز است.

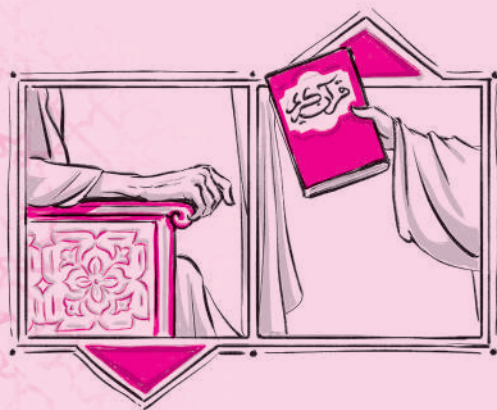
﴿ ۹ ﴾ شکایت از غضب فدک ﴿﴾

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِثْرَ لَنَا! أَفَحُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ
تَبْغُونَ؟! وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ؟
أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟! بَلَى، تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ
أَنِّي ابْنَنَّهُ. أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ، أَأُغْلِبُ عَلَى إِثْرِي؟



اینک شما به دروغ، وانمود می کنید که ما، اهل
بیت، از پیامبر خدا هیچ ارثی نمی بریم؟! آیا به
دنبال احکام دوران جاهلیت می روید؟ کسانی
که به خدا و قیامت یقین دارند، چه کسی را
برای داوری، بهتر از خدا سراغ دارند؟ آیا واقعاً
نمی دانید؟ چرا! می دانید. برای شما مثل خورشید
تابان، روشن است که من دختر رسول خدایم. ای
مسلمانان! آیا این درست است که من مظلومانه از
ارث خود محروم شوم؟

ای ابابکر! آیا در کتاب خدا نوشته
شده است که تو می‌توانی
از قدرت ارث ببری ولی من
نمی‌توانم؟! به‌راستی که چیز
عجیب و جدیدی (از پیش خود)
آورده‌ای. آیا عمداً کتاب خدا را
رها کرده‌اید و آن را پشت سر
انداخته‌اید؟



يَا ابْنَ أَبِي حُفَافَةَ! أَ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ
لَا أَرِثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا. أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ
كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ؟ إِذْ يَقُولُ
(وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ) وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَيْرِ
يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ (قَالَ رَبِّ ... فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ)



ای بابکر! آیا در کتاب خدا نوشته شده است که تو
می توانی از پدرت ارث ببری ولی من نمی توانم؟! به
راستی که چیز عجیب و جدیدی (از پیش خود)
آورده ای. آیا عمداً کتاب خدا را رها کرده اید و آن را
پشت سر انداخته اید؟ قرآن آشکارا، می گوید
پیامبران از خود ارث می گذارند. آن جا که
می فرماید: «سلیمان از داوود ارث بُرد.» و در جای
دیگر که داستان حضرت یحیی، پسر حضرت زکریا،
را مطرح می کند، حضرت زکریا گفت: «پروردگارا! ...
از جانب خود فرزندی به من ببخش؛ که هم وارث
من، و هم وارث خاندان یعقوب باشد.»

وَقَالَ (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ)؛ وَقَالَ (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ) وَقَالَ (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ)، وَزَعَمْتُمْ إِلَّا خُطْوَةً لِّي وَلَا أَرْتُ مِنْ أَبِي وَلَا رَحِمٍ يَبْنِيْنَا



قرآن آشکارا، اعلام می کند که همه می توانند ارث بگذارند و ارث ببرند: «در کتاب خدا، بعضی از خویشاوندان بر بعضی دیگر اولویت دارند.» و نیز آن جا که می فرماید: «خدا شما را در باره ی فرزندان تن سفارش می کند: سهم (ارث) پسر مانند سهم (ارث) دو دختر است» و هم چنین آن جا که می فرماید: «اگر کسی مالی از خود به جا گذاشت، برای پدر و مادر و نزدیکان، مطابق عرف وصیت کند که این شایسته پرهیزکاران است.» آیا گمان می کنید که من هیچ بهره ای نباید داشته باشم؟ آیا من از پدرم ارث نمی برم؟ شاید می گوئید من با پدرم، نسبت خویشاوندی ندارم!

أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ أُخْرِجَ أَبِي! مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ
 أَهْلُ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ
 مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ
 مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ فَدُونَكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ
 يَوْمَ حَشْرِكَ



آیا خدا در آیه ای از قرآن، حُکمی را به طور
 ویژه به شما اختصاص داده و پدرم را از آن حکم
 محروم نموده است؟ شاید فکر می کنید من و
 پدرم، دو دین مختلف داریم و دو نفری که دو
 دین متفاوت دارند، از هم ارث نمی برند!
 آیا من و پدرم اهل یک دین و مذهب نیستیم؟
 شاید، شما از پدرم و پسر عمویم، قرآن را بهتر
 می شناسید و به آیات عام و خاص آن، آگاه ترید!
 ای ابابکر! این حکومت ارزانیت باد. شتر حکومت
 را که افسارش آماده و پشتش زین شده است،
 سوار شو؛ تا در روز قیامت گریبان‌ت را بگیرد.

آن کسانی که اهل باطل هستند،
در قیامت ضرر می‌کنند. در آن
روز (قیامت) اگر پشیمان شوید،
آن پشیمانی برایتان هیچ فایده‌ای
ندارد... به زودی می‌فهمید که
چه کسی عذاب می‌شود، عذابی
که رسوایش می‌کند.



فَنِعْمَ الْحُكْمَ اللَّهُ، وَ الرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ ﷺ، وَ الْمُؤْعَدُ
الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يُخَسِّرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا
يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَ (لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ
تَعَامُونَ) (مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ
عَذَابٌ مُّقِيمٌ)



به راستی، چه خوب است که خداوند داوری کند؛
پیامبر اکرم، محمد ﷺ، ریاست نماید؛ و قیامت،
جای محاکمه باشد. آن کسانی که اهل باطل
هستند، در قیامت ضرر می کنند.
در آن روز اگر پشیمان شوید، آن پشیمانی برایتان
هیچ فایده ای ندارد. برای هر خبری جایگاهی است
(که به آن رسیدگی می شود). به زودی می فهمید
که چه کسی عذاب می شود، عذابی که رسوایش می
کند، و عذابی که برای همیشه بر او وارد می شود.

﴿۱۰﴾ شکایت از سکوت انصار ﴿﴾

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ:

يَا مَعْاشِرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ، وَحَصَنَةَ الْإِسْلَامِ،
مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي، وَالسَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي.

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ:

«الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ»؟

در این هنگام حضرت زهرا (علیها السلام) به انصار، رو کردند
و فرمودند:

ای سرپرستان مردم! ای یاوران دین! ای نگهبانان
اسلام! این چه وضعی است که شما پدیدآورده
اید؟ چرا در حق من سستی می کنید؟ چرا
خوابتان برده است و در برابر ظلمی که به من
می شود، چیزی نمی گوئید؟ آیا پدرم، رسول
خدا (صلی الله علیه و آله) نمی فرمود: «احترام هرکسی، با احترام
گذاشتن به فرزندانش حفظ می شود»؟

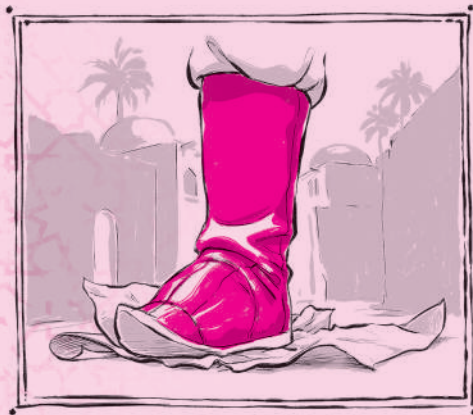


سَرَعَانَ مَا أَحَدَثْتُمْ، وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ. وَلَكُمْ طَاقَةٌ
بِمَا أَحَاوِلُ، وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أُطْلَبُ وَأُزَاوِلُ. أَ
تَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَخُطِبَ
جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ، وَانْفَتَقَ
رَتْقُهُ، وَأَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَكُسِفَتِ النُّجُومُ
لِمُصِيبَتِهِ.



چه زود، بدعت ها را به پا کردید. چه باشتاب، به سوی
زشتی ها به راه افتادید. این در حالی است که شما
می توانید آن چیزی را که من به دنبالش هستم، انجام
دهید؛ و بر اجرای خواسته هایم قدرت دارید. آیا با
خودتان می گوید محمد ﷺ، از دنیا رفته است و ما
دیگر وظیفه ای نداریم؟ آه! که رحلت او، چه مصیبت
بزرگی است. با رفتن او، سستی همه جا را فراگرفت؛
اختلافات و شکاف ها، دهان باز کرد؛ نظم و ترتیب
کارها از بین رفت؛ و همه چیز از هم گسیخته شد.
به خاطر نبودن پیامبر، تاریکی زمین را فراگرفت. با
رفتن او، خورشید و ماه گرفتند. از مصیبت او، ستارگان
پراکنده شدند.

با رفتن او (درگذشت پیامبر ﷺ)
امیدها از بین رفتند، و کوه‌ها
به لرزه درآمدند، حُرمت الهی از
بین رفت و احترام اهل بیت او
پایمال شد. به خدا قسم که این
حادثه، بزرگترین بلا و شدیدترین
مصیبت است.



وَ أَكْذَتِ الْأَمْالُ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَ أُضِيعَ
الْحَرِيمُ، وَ أْزِيلَتِ الْحُزْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ. فَتِلْكَ وَ اللَّهُ
النَّازِلَةُ الْكُبْرَى، وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ،
وَ لَا بَاقِيَةٌ عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي
أَفْنِيَّتِكُمْ فِي مُسَاكُمِ وَ مُصْبِحِكُمْ، هُتَافاً وَ صَرَاحاً، وَ
تِلَاوَةً وَ إِنْجَاناً.



با رفتن او امیدها از بین رفتند، و کوه ها به لرزه
درآمدند، حُرمت الهی از بین رفت و احترام اهل
بیت او پامال شد.

به خدا قسم که این حادثه، بزرگ ترین بلا؛
و شدیدترین مصیبت است. هیچ حادثه ای به
سنگینیِ این حادثه نیست. هیچ بلایی به این
سرعت، بر کسی وارد نشده است. این همان
مصیبتی است که کتاب خدا، قرآن، از آن
خبر داده بود. قرآن در هر صبح و شب این
ندا را در خانه هایتان، فریاد می کرد؛ برایتان
می خواند و به بهترین شکل تلاوت می نمود.

وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِالنَّبِيِّاءِ اللّٰهُ وَرُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ
وَقَضَاءٌ حَكْمٌ: (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ
مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى
أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهُ
شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللّٰهُ الشَّاكِرِينَ)



و این همان چیزی است که در گذشته نیز
بر پیامبران و فرستادگان الهی وارد شده است. این
فرمان قطعی خدا و تقدیر حتمی اوست و قرآن
درباره‌ی آن می‌فرماید: «محمد، رسول خداست.
پیش از او نیز رسولانی بوده‌اند.

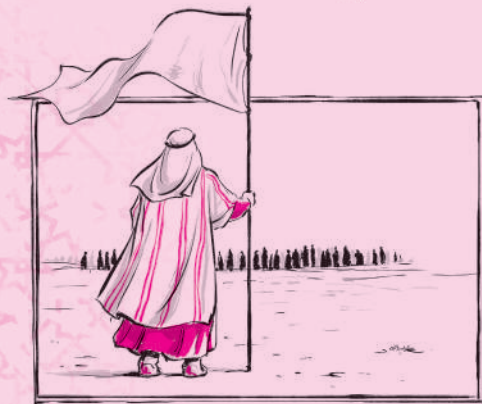
اگر او از دنیا برود یا کشته شود، شما به دوران
جاهلیت خود بر می‌گردید؟ اگر کسی از اسلام
روبرگرداند و به گذشته‌ی خود بازگردد، نمی‌تواند
به خداوند ضرری برساند. و خدا به هر که شاکر
باشد، پاداش می‌دهد.»

إِيَّاهُ بَنِي قَيْلَةَ أَأَهْضَمَ تَرَاثُ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِيٍّ
وَمَسْمَعٍ، وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ، تَلْبُسُكُمْ الدَّعْوَةُ،
وَتَسْمَلُكُمْ الْحَبْرَةُ، وَأَنْتُمْ ذَا الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ،
وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ، وَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجُنَّةُ،
تَوْافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجَيُّونَ، وَتَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ
فَلَا تُغِيثُونَ



ای مردان بنی قَیله! آیا درست است که مرا از
ارث پدرم محروم کنند و شما ساکت باشید؟ شما
مرا می بینید و صدای مرا می شنوید. شما در
حضور من هستید و همگی تجمع کرده اید. فریاد
یاری طلبی من، به شما رسیده است و شما از آن
باخبر شده اید. تعداد مردان جنگجویان زیاد است؛
ثروت و دارایی تان فراوان است؛ ادوات جنگی در
اختیار دارید؛ از قدرت و توان کافی برخوردارید؛
ابزار هجوم و دفاع دارید. پس چه شده که شما را
به یاری فرامی خوانم ولی پاسخ نمی دهید؟ فریاد
دادخواهی مرا می شنوید ولی به یاری ام نمی آیید؟

چرا شما که پیش از این حقیقت را
بیان می‌کردید، اکنون به آن پشت
می‌کنید و از آن رو برمی‌گردانید؟...
چرا شما که تا کنون در راه دین،
پیش قدم بودید، اینک عقب‌نشسته‌اید
و کاری نمی‌کنید؟



وَأَنْتُمْ مُؤْصِفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ
 الصَّالِحِ، وَ التُّخْبَةُ الَّتِي انْتَجَبْتُ، وَالْخِيزَةُ الَّتِي
 اخْتِيرْتُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ
 الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ، وَ كَاغَفْتُمُ الْبِهْمَ. لَا
 نَبْرُحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ
 بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ.



این در حالی است که شما به نبرد و جنگ آوری شهرت
 دارید؛ به انسان هایی خوب و صالح معروف شده اید.
 شما همان نیکان و خوبانی هستید که برای ما اهل بیت
 انتخاب شدید و برگزیده گشتید. شما با مشرکان عرب،
 جنگیدید و هرسختی و رنجی را به جان خریدید. با
 گروه های جنگ جو مبارزه کردید. با شجاعان و دلیران،
 جنگ و ستیز نمودید. شما از پیروان ما بودید. اگر از
 کاری دوری می کردیم، شما نیز دوری می نمودید و
 اگر شما را به کاری دستور می دادیم، آن را انجام می
 دادید. تا آن که اسلام، به دست ما، در مسیر خود به راه
 افتاد، و مانند آسیابی که شروع به گردش کند، به دور
 محور خود به حرکت آمد.

رونقِ روزگار، فرارسید. هیاہوی مشرکان، آرام شد و
 بزرگی آنان، به ذلت تبدیل شد؛ و صدای دروغ‌گویان،
 ساکت شد. آتشِ کفر، خاموش گردید. جنگ و فتنه
 انگیزی، آرام گرفت و دین، سر و سامان یافت و نظم
 و ترتیب پیدا کرد. چرا شما که پیش از این حقیقت
 را بیان می کردید، اکنون به آن پشت می کنید و از
 آن رو برمی گردانید؟ چرا شما که تا به حال، حق را
 آشکار می نمودید، اکنون آن را پنهان می کنید؟ چرا
 شما که تا کنون در راه دین، پیش قدم بودید، اینک
 عقب نشسته اید و کاری نمی کنید؟ چرا از ایمان
 دست برداشته و به شرک رو آورده اید؟



و دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ تُغْرَةُ الشَّرِكِ، وَ
 سَكَنْتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ،
 وَ هَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ،
 فَأَنَّى حُرُزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَ أَسْرَزْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ
 نَكَضْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ

بُؤْسًا لِّقَوْمٍ (نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمْوَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ
وَهُمْ بَدَوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ
تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)



در این هنگام، حضرت زهرا (ع) درباره غاصبان
فرمودند:

«چه بد است حال کسانی که پیمان‌های خود
با پیامبر را شکستند و در بیرون راندن رسول خدا
کوشیدند. در حالی که آن‌ها بودند که بار اول
(جنگ را) با شما آغاز کردند.»

سپس به انصار فرمودند: «آیا از آن‌ها می‌ترسید؟
اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او
بترسید.»

شما را می‌بینم که به دنبال
زندگی آرام خود هستید. آن کسی
را که برای اداره و تدبیر کارها، از
همه شایسته‌تر و بهتر است، رها
کرده‌اید و او را از حق خود دور
نموده‌اید. به گوشه‌ای رفته‌اید و
به فکر آسایش و راحتی خودتان
هستید.



﴿ ۱۱ ﴾ هشدار به مسلمانان ﴿ ﴾

أَلَا قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْحَفْظِ، وَ أَبْعَدْتُمْ
مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ
بِالدَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضَّيْقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ
مَا وَعَيْتُمْ. وَ دَسَعْتُمُ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ. (فَإِنْ
تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَفِيْرٌ
حَمِيْدٌ)



آگاه باشید! شما را می بینم که به دنبال زندگی
آرام خود هستید. آن کسی را که برای اداره و
تدبیر کارها، از همه شایسته تر و بهتر است، رها
کرده‌اید و او را از حق خود دور نموده اید. به گوشه
ای رفته اید و به فکر آسایش و راحتی خودتان
هستید. با این کاری که کردید، آرامش واقعی از
زندگی هایتان رفت؛ و هرچه پذیرفته بودید، همه
را رها نمودید. زندگی گوارایتان از بین می رود؛
مانند کسی که آب گوارا را از دهان خود بیرون
بریزد. اگر شما و همه اهل زمین کافر شوید، به
یقین خدا بی نیاز و شایسته‌ی ستایش می باشد.

أَلَا وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي
بِالْخُدْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ، وَ الْعُدْرَةِ الَّتِي اسْتَشْعَرْتُهَا
قُلُوبُكُمْ؛ وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْغَيْظِ،
وَ خَوْرُ الْقَنَاقَةِ، وَ بَثَّةُ الصِّدْرِ، وَ تَقْدِمْهُ الْحُجَّةَ.
فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَبِئْوَهَا دَبْرَةَ الظُّهْرِ، نَقِيبَةَ الْخُفِّ،
بَاقِيَةَ الْعَارِ.



ای مردم! بدانید آن چه باید می گفتم، گفتم؛ با این که
می دانستم حالتی شما را فرا گرفته است که به یاریم
نمی آید و مرا رها می کنید؛ و می دانستم که دل های
شما از مکر و فریب، پر شده است.

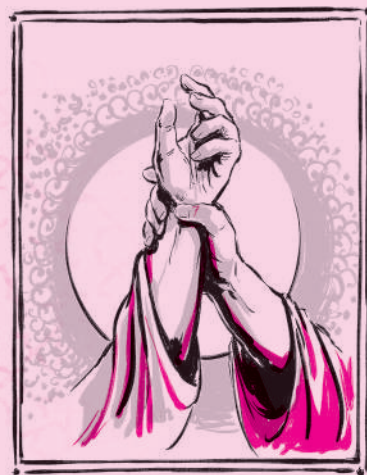
با این حال، سخن گفتم؛ چون سختم از درونم می
جوشد. کلام من، تراوش خشم است؛ ریزش غضب
است؛ افشای راز سینه است. سخن گفتم تا حجت را
بر شما تمام کنم. بیایید و حکومت را بگیرید و بر آن
سوار شوید! بر شتر حکومت، بنشینید. حکومتتان هم
چون شتری است که پشتش زخمی و پایش لنگان
است. ننگ این کار، همیشه برایتان باقی می ماند.

مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الْجَبَّارِ، وَ شَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً
 بِ (نَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ).
 فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ (وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا
 أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) وَ أَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ
 يَدَيِّ عَذَابٍ شَدِيدٍ. (فَاعْمَلُوا ... إِنَّا عَامِلُونَ وَ
 انْتِظَرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ).



خداوندی که صاحب کبریا و عظمت است، بر
 شما غضب می کند. تا ابد این نشانِ ننگ، بر
 شما می ماند. « به آتش جهنّم، که خدا آن را
 افروخته است، خواهید رسید؛ همان آتشی که
 بر دل ها می افتد و زبانه می کشد.» آری، هرچه انجام
 می دهید در برابر دیدگان خداست، و خدا همه چیز
 را می بیند. « آن کسانی که ظلم کرده اند، به زودی
 خواهند دانست، که به کجا برمی گردند.» من دختر
 همان پیامبری هستم که به شما هشدار می داد و
 از عذاب سخت خدا می ترساند. عذاب الهی در برابر
 شماست. « هرچه می خواهید بکنید، ما نیز عمل
 می کنیم. منتظر باشید که ما هم منتظریم.»

ابوبکر گفت: همسر تو، علی، تنها
برادر اوست (منظورش رسول خدا ﷺ
بود). پدرت علی را بر تمام دوستان
و خویشاوندان نزدیک خود برگزید
و برتری داد؛ و علی هم پدرت را در
هر کار بزرگ و مهمی یاری کرد.



استناد ابوبکر به حدیثی دروغین در پاسخ به

حضرت زهرا علیها السلام



فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ وَفَقَالَ:

يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ
عَطُوفًا كَرِيمًا، رَءُوفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا
أَلِيمًا، وَعِقَابًا عَظِيمًا. فَإِنْ عَزَوْنَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ
النِّسَاءِ، وَأَخَا لِيُعْلِكَ دُونَ الْأَخِلَاءِ

ابوبکر برخاست و در جواب حضرت زهرا علیها السلام گفت:
ای دختر رسول خدا! پدر تو، نسبت به
مؤمنان دل سوز و بخشنده بود؛ با آن
ها با مهربانی و خوبی رفتار می کرد؛ و از
خطاهایشان می گذشت. پدرت، نسبت به
کافران عذابی دردآور و کیفری بزرگ و
سنگین بود. در نسل او، تو تنها فرزند او
هستی و همسر تو، علی، تنها برادر اوست.



آثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ، وَ سَاعَدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ،
لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا كُلُّ سَعِيدٍ، وَلَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا كُلُّ
شَقِيٍّ، فَأَنْتُمْ عِثْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، وَالْخَيْرَةُ
الْمُنْتَجِبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَذِلَّتُنَا، وَ إِلَى الْجَنَّةِ
مَسَالِكُنَا وَ أَنْتِ يَا خَيْرَةَ النِّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ
الْأَنْبِيَاءِ صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وَفْوَرِ عَقْلِكَ.



پدرت، علی را بر تمام دوستان و خویشاوندان
نزدیک خود برگزید و برتری داد. و علی هم پدرت
را در هر کار بزرگ و مهمی یاری کرد. فقط کسانی
که سعادتمند هستند، شما را دوست دارند و تنها
اهل شقاوت و بدبختی با شما دشمنی می کنند.
شما خاندان پاک پیامبر خداید. پیامبر خدا
شما را برگزیده و برتری داده است. شما ما را به
خوبی ها راهنمایی می کنید.

شما راهی هستید که ما را به بهشت می رسانید.
ای برترین بانو! ای دختر بهترین پیامبر! تو راست
گو هستی و عقل و خردت از همه بیشتر است.

غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَا مَصْدُودَةٍ عَنْ
 صِدْقِكَ، وَ وَاللَّهِ مَا عَدَوْتُ رَأْيَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ
 لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ إِنَّ الرَّائِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ.
 إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيداً، أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ
 ذَهَباً وَ لَا فِضَّةً وَ لَا دَاراً وَ لَا عَقَاراً، وَ إِنَّمَا نُورَثُ
 الْكُتُبَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النَّبُوَّةَ؛



من نمی‌خواهم تو را از حَقَّت محروم کنم. من به تو
 نسبت دروغ‌گویی نمی‌دهم. به خدا قسم، من رأی و
 نظر پیامبر را زیر پا نگذاشتم و هرچه کرده‌ام مطابق
 با دستور و فرمان او بوده است. کسی که نماینده و
 پیشوای مردم است، به مردم دروغ نمی‌گوید. خدا
 شاهد است و او برای شهادت دادن کافی است؛
 من او را شاهد می‌گیرم که از رسول خدا شنیدم:
 «ما، پیامبران، طلا و نقره و خانه و زمین به ارث
 نمی‌گذاریم. تنها چیزی که به ارث می‌گذاریم،
 کتاب‌های آسمانی، حکمت، دانش و پیامبری است.

ابوبکر ادامه داد: من نمی‌خواهم
 تو را از حق محروم کنم... من
 او (خدا) را شاهد می‌گیرم که از
 رسول خدا شنیدم: «ما پیامبران،
 طلا و نقره و خانه و زمین به ارث
 نمی‌گذاریم. اموالی که از ما باقی
 می‌ماند، برای کسی است که بعد
 از ما حکومت را در دست می‌گیرد...»



وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرِ بَعْدَنَا
 أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ» وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتِهِ
 فِي الْكُرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهِ الْمُسْلِمُونَ وَ
 يُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَيُجَالِدُونَ الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ، وَ
 ذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَتَفَرِّدْ بِهِ وَخَدِي،
 وَلَمْ أُسْتَبَدَّ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ فِيهِ عِنْدِي،



اموالی که از ما باقی می ماند، برای کسی است که
 بعد از ما حکومت را در دست می گیرد؛ و او می تواند
 هر طور که خواست، در مورد آن ها تصمیم بگیرد.»
 ما اموالی را که از تو گرفتیم و اکنون تو سعی و
 تلاش می کنی از ما پس بگیری، برای خرید اسب
 و اسلحه مصرف کردیم. آن اسب و سلاح برای این
 است که مسلمانان بتوانند با دشمنان روبرو شوند،
 با کافران بجنگند و بر ستمگران سرکش شمشیر
 بکشند. این کار با نظر همه ی مسلمانان انجام شد.
 من، آن را به تنهایی انجام ندادم. این کار در اختیار
 من بود، اما، خودسرانه به آن اقدام نکردم.

و هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي؛ هِيَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ
لَا تُزَوِّي عَنْكَ وَ لَا تَدَّخِرُ دُونَكَ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ
أُمَّةٍ أَيْبِكَ، وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِيْنِيكَ، لَا يُدْفَعُ
مَالُكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا يُوَضَّعُ مِنْ فَرْعِكَ وَ
أَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايْ؛ فَهَلْ
تَرَيْنَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَلِكَ أَبَاكَ ﷺ



رفتار و روش مرا دیدی. این هم اموالی که در
اختیار من است. همه‌ی آن‌ها را به تو می‌دهم و
از تو پس نمی‌گیرم. آن‌ها را برای دیگران پس‌انداز
نمی‌کنم. شکی نیست که تو سرور همه‌ی
مسلمانان هستی. تو برای فرزندان، مادری پاک
و با فضیلتی. ما نمی‌خواهیم برتری‌های تو را انکار
کنیم. نمی‌خواهیم مقام والای پدران و فرزندان
را پایین بیاوریم. در مورد اموالی که در اختیار من
است، هرچه تو دستور بدهی، اجرا می‌شود. اما آیا
تو می‌خواهی من با پدرت مخالفت کنم و در مورد
این اموال، از فرمان او سرپیچی کنم؟

﴿ ۱۲ ﴾ پاسخ حضرت زهرا (علیها السلام) به ابوبکر ﴿﴾

فَقَالَتْ (علیها السلام) :

سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَارِفًا، وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا،
بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ، وَيَقْفُو سُورَهُ. أَفَتَجْمَعُونَ إِلَيَّ
الْغَدْرَ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ؟



حضرت زهرا (علیها السلام) در جواب او فرمودند:
سبحان الله! چه عجیب! پدرم، رسول خدا (صلی الله علیه و آله)،
هیچ گاه از آیات قرآن برنمی گشت و با فرمان
کتاب خدا، مخالفت نمی کرد. او همیشه در راه
قرآن قدم می گذاشت و از سوره های قرآن
پیروی می کرد. آیا بایکدیگر همدستی می کنید
تا پیامبر خدا را به گناهی که انجام نداده متهم
کنید؟ آیا با مکر و حيله، و با دروغ و تهمت، او
را متهم می کنید؟

حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ او
فرمودند: اینک که او (پیامبر)
نیست به او تهمت می‌زنید... این
کتاب خداست که به عنوان داور،
در میان ماست... خداوند مسئله
ارث اموات را به روشنی بیان کرده
است تا گمانه زنی‌ها و اشتباهات
را از بین ببرد.



و هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بُغِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكْمًا عَدْلًا، وَ نَاطِقًا فَضْلًا. يَقُولُ (يَرْثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ)، (وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ). فَبَيْنَ عَزَّوَجَلَّ فِيمَا وُزِعَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ الْمِيرَاثِ.



رفتار امروزتان شبیه کارهای دیروزتان است. اینک که او نیست به او تهمت می زنید و وقتی که بود، برایش فتنه و بلا به پا می کردید. این کتاب خداست که به عنوان داور، در میان ماست؛ داوری است عادل، و سخن گویی است که کلامش حق و باطل را از هم جدا می کند. قرآن می فرماید: «(حضرت زکریا دعا کرد و گفت: خدایا به من فرزندی بده که) از من و از آل یعقوب ارث ببرد.» و هم چنین می فرماید: «سلیمان از داوود ارث ببرد.» پس خدای عزوجل، بیان کرده است که سهم عادلانه ی هرکسی در تقسیم اموال، چه قدر است. او روشن نموده که مقدار ارث و مقدار حقوق واجب، هر کدام باید به چه اندازه باشد.

وَأَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذُّكْرَانِ وَ الْإِنَاثِ مَا أَزَاحَ عِلَّةَ
الْمُبْطِلِينَ، وَ أَزَالَ التَّظَنِّيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَايِرِينَ؛
كَلَّا (بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرُواْ جَمِيعًا وَ
اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ.)



خداوند، آشکارا سهم ارث مردان و زنان را
اعلام کرده است؛ تا به وسیله ی آن، اهلِ باطل
را پراکنده کند و سخنان آنان را که بیماردل
هستند، دور نماید. خداوند، مسأله ی ارثِ اموات
را به روشنی بیان کرده است تا گمانه زنی ها و
اشتباهات را از بین ببرد.

نه، این گونه نیست! «شما از گمراهی خود، دست
برنمی دارید. نفس شما برایتان کار زشت را
آراسته کرده است. اکنون باید صبری نیکو (پیشه
کنم). از خدا می خواهم تا مرا (برای صبرکردن)
در آنچه توصیف می کنید یاری دهد.»

﴿﴾ پاسخ دوم ابوبکر به حضرت زهرا ﴿﴾

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ:

صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ وَصَدَقَتْ ابْنَتُهُ، أَنْتِ
مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ
رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ،



دوباره ابوبکر برخاست و در جواب حضرت
زهرا ﴿﴾ گفت:

خدا و پیامبر خدا راست می گویند. دختر پیامبر
هم راست می گوید. تو معدن دانش و حکمت
هستی. هدایت، مهربانی و بخشندگی در وجود
تو جا گرفته است. دین خدا بر تو استوار و
پایدار است. تو حقیقت دلیل و برهان هستی.

ای مسلمانان! چرا در آیات قرآن
تفکر نمی‌کنید؟ مگر بر دل‌هایتان
قفل زده‌اند؟ نه، این چنین نیست!
واقعیت این است که دل‌های شما
بر اثر اعمال بدی که انجام داده‌اید
زنگار گرفته است. عاقبت آن کارها
این است که خدا چشم و گوشتان
را از شما گرفته است (بی‌توجه
به حق شده‌اید).



من راستی و درستی تو را انکار نمی‌نمایم و سخنانت را رد نمی‌کنم. بگذار این مسلمانان، بین من و تو داوری کنند.

آن‌ها بودند که حکومت را به من سپردند و من هم با رأی و نظر آنان، زمام کار را به عهده گرفتم. این مردم شاهدند که من این کار را خودسرانه و با زورگویی انجام ندادم؛ و قصد من از گرفتن فدک این نبود که دیگران را بر تو ترجیح بدهم.



لَا أُبْعِدُ صَوَابِكَ، وَلَا أَنْكَرُ خَطَابِكَ، هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ. قَلَّدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدٍّ وَلَا مُسْتَأْثَرٍ، وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.

﴿۱۳﴾ هشدار به مسلمانان ﴿﴾

فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام النَّاسَ وَقَالَتْ:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ،
الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ! أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ
الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟ (كَلَّا بَلْ، رَانَ عَلَى
قُلُوبِكُمْ) مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ؛

با شنیدن آن سخنان، حضرت زهرا عليها السلام مردم
را مورد خطاب قرار دادند و فرمودند:
ای مسلمانان! با شما میم! شما که شتابان به
سخنان باطل رو آورده اید! شما که چشم
خود را بر این رفتار زشت و زیانبار بسته
اید! چرا در آیات قرآن تفکر نمی کنید؟
مگر بر دل هایتان قفل زده اند؟ نه، این
چنین نیست! واقعیت این است که دل های
شما بر اثر اعمال بدی که انجام داده اید،
زنگار گرفته است.



فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ
 سَاءَ مَا بِهِ أَشْرُتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِنْهُ اغْتَصَبْتُمْ. لَتَجِدَنَّ
 وَ اللَّهِ مَحْمَلَهُ ثَقِيلًا، وَ غَبَّهُ وَبِيلًا، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ
 الْغَطَاءُ، وَ بَانَ يَأْوَرَاةِ الصَّرَاءِ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ
 رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ (وَ خَسِرَ هُنَالِكَ
 الْمُبْطِلُونَ)



عاقبت آن کارها این است که خدا چشم و گوشتان
 را از شما گرفته است. آه! که شما چه بد سخنی را
 از پیش خود ساخته اید! آه! که شما چه بد کسی را
 معرفی کرده اید! آه! که شما چه شرّ بزرگی را با خوبی
 ها عوض کردید. به خدا قسم، سنگینی باری را که بر
 دوش گرفته اید، قطعاً احساس خواهید کرد و عاقبت
 سخت و ناگوار کارتان را خواهید دید. وقتی جزای کار
 خود را می بینید که مرگتان فرابرسد؛ و پرده های
 غفلت از برابر چشمانتان کنار برود؛ در آن هنگام
 است که با حرارت آتش جهنّم، سختی ها برایتان
 آشکار می گردد؛ و آن عذابی را که گمان نمی کردید،
 از طرف پروردگارتان ظاهر می شود. «آن جاست که
 اهل باطل، ضرر می کنند.»

(ای پیامبر) وقتی از دنیا رفتید...
بعضی از افرادی که در دل به ما
کینه داشتند، دشمنی‌های خود را
آشکار کردند... به ما اهانت نمودند
و ما را خوار شمردند. اکنون زمین
برای ما تنگ شده است. (شرایط
برای ما بسیار سخت و دشوار
گردیده است.)



﴿۱۴﴾ درد دل با پیامبر ﷺ

ثُمَّ عَطَفْتُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَتْ:
قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ

لَوْ كُنْتُ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثُرِ الْخُطْبُ
إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدْ الْأَرْضُ وَإِبِلَهَا
وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَلَا تَغِبْ



سپس آن حضرت رو به مزار پیامبر ﷺ کردند و با
دلی پر درد این چنین شکوه نمودند: ای پدر! پس
از شما حوادث بزرگ و سختی به وجود آمد که
اگر بودید، آن مصیبت ها این قدر زیاد نمی شد.
ما، اهل بیت، با از دست دادن شما مانند زمین
خشک و بی باران شده ایم؛ مسلمانان با رفتن شما
به تباهی کشیده شده اند؛ به آنان بنگرید و چشم
از آن ها برندارید.

هرخاندانی که در پیشگاه خدا قرب و منزلتی دارد، نزد بیگانگان هم محترم است. (به جز خاندان شما که حرمتشان شکسته شد).
وقتی از دنیا رفتید و توده های خاک، میان ما و شما فاصله انداخت، بعضی از افرادی که در دل به ما کینه داشتند، دشمنی های خود را آشکار کردند. پس از آن که شما را از دست دادیم، بعضی از مردم به زشتی با ما رفتار نمودند. به ما اهانت نمودند و ما را خوار شمردند. اکنون زمین برای ما تنگ شده است.



وَكُلُّ أَهْلٍ لَهُ قُرْبَىٰ وَ مَنَزِلَةٌ
عِنْدَ إِلَهِهِ عَلَى الْأَذْنَيْنِ مُقْتَرَبٌ
أَبَدْتُ رِجَالٌ لَّنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ
لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ
تَجْهَمُنَّا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا
لَمَّا فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْأَرْضِ مُتَنَصِّبٌ

وَكُنْتَ بَدْرًا وَنُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ
 عَلَيْكَ تَنْزِيلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ
 وَكَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا
 فَقَدْ فُقِدَتْ فَكُلُّ الْحَزَنِ مُحْتَجِبُ
 فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادَفَنَا
 لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتِ دُونَكَ الْكُتُبُ



ای پدر! شما مانند ماه تابان و پرنور بودی. همه از نور شما روشن می شدند، از طرف خدای عزیز، بر شما کتاب خدا نازل می شد.
 جبرئیل به وسیله ی آیات قرآن، به گرمی و مهربانی با ما هم صحبت می شد. اکنون که شما را از دست داده ایم، همه ی خوبی ها از ما پنهان شده است.
 ای کاش پیش از آن که شما از دنیا بروید و انبوهی از خاک، میان ما و شما فاصله بیندازد؛ مرگ به سراغ ما آمده بود.



Fatemeh's

بازگردان روان از خطبه‌های حضرت زهرا

Clear
Shout

مسابقه فرهنگی خطبه فدکیه

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.
* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد چهاررقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: خطبه فدکیه ۱۳۴۲ محمد عظیمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی: به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.
تذکر: پیشنهادهای و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۳۲۰۰۲۵۶۹ - ۵۱



پرسش‌ها

پرسش اول. حضرت زهرا علیها السلام در ابتدای خطبه فدکیه و در مبحث خداشناسی، مردم را به چه امری دعوت کردند؟

۱. شناخت اهل بیت علیهم السلام
۲. شکرگزاری نعمت‌های خداوند
۳. کمک به نیازمندان
۴. دعوت به جهاد و مبارزه

پرسش دوم. طبق فرمایشات حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه، خداوند حج را برای چه واجب کرده است؟

۱. افزایش رزق و روزی
۲. ایجاد صمیمیت و همدلی
۳. تقویت پایه‌های دین
۴. دوری از تکبر

پرسش سوم. حضرت زهرا علیها السلام هدف غاصبان خلافت را چه دانسته‌اند؟

۱. مصلحت اسلام
۲. قدرت و ریاست
۳. دشمنی با اهل بیت پیامبر علیهم السلام
۴. گزینه ۳ و ۲

پرسش چهارم. بعد از سخنان حضرت زهرا علیها السلام درباره غضب فدک، پاسخ ابوبکر چه بود؟

۱. حدود فدک را مشخص کن تا آن را بازگردانم
۲. کسی حق ندارد تو را از اموالت منع کند
۳. بگذار مسلمانان، بین من و تو داوری کنند
۴. گزینه ۱ و ۲



پاسخ نامہ مسابقہ فرهنگی خطبہ فدکیہ

پرورش	گزینه	۱	۲	۳	۴
اول					
دوم					
سوم					
چهارم					

نام و نام خانوادگی:

نام پدر: تحصیلات:

..... استان: شهر:

..... تلفن ثابت باکد شهر:

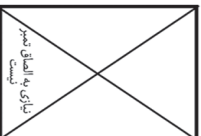
شماره همراه:

نظرسنجی کتاب خطبہ فدکیہ

ردیف	موضوع	نخستین کم	ن	متوسط	زیاد	نخستین زیاد	ردیف	موضوع	نخستین کم	ن	متوسط	زیاد	نخستین زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)						۵	میزان تأثیرگذاری و مفیدبودن مطالب					
۲	میزان شیوایی مطالب						۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۳	قابلیت فهم مطالب						۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب						۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادهای و انتقادات:													

لیه کاغذ راس ارض، تازه و پچساید

پست جواب قبول



فرستنده:.....

.....

.....

.....

کلیدی:

----- از این قسمت تا شود -----

هزینه پستی بر اساس قرار داد شماره ۲۵۱ - ۹۱۲۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۲۳۵